

# راهکارهایی برای توسعه صنعتی کشور

## سید محمد بحرینیان از ضرورت نهاد فراقوه‌ای برای اقتصاد می‌گوید

زمانی که بحث از مشکلات اقتصادی به‌ویژه در حوزه تولید و توسعه کشور می‌شود، می‌توان از چند زاویه مسائل را بررسی کرد: نخست، از دریچه علم است که از این طریق با توجه به تجربه کشورها و مبانی نظری قوی، می‌توان موضوع را بررسی کرد. دوم، از زاویه نگاه سیاست‌گذاران است که در این حالت بیشتر روی محدودیت‌های موجود در حیطه تصمیم‌گیری و اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت تأکید می‌شود؛ و اما سوم از زاویه دید تولیدگران و فعالان اقتصادی است که مشکلات را با تمام وجود لمس کرده‌اند و حتی برای برون‌رفت از آن راه‌حل‌های عملی بسیاری دارند. اهمیت توجه به دیدگاه‌های فعالان اقتصادی اگر بیشتر از دورویکرد دیگر نباشد، کمتر از آن هم نیست. در این میان توجه به دیدگاه‌های فردی مانند مهندس محمد بحرینیان که سال‌هاست هم در حوزه تولید فعال است و هم مطالعات گسترده‌ای روی تجربه سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته کنونی دارد، می‌تواند بسیار راهگشا باشد. وی مسائل را هم از دیدگاه علمی و هم از نظرگاه یک فعال اقتصادی تحلیل می‌کند. گفت‌وگوی ما با این صنعتگر و پژوهشگر توسعه از انتخابات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی آغاز شد و در نهایت به راهکارهای توسعه صنعتی ایران ختم شد. وی معتقد است در ساختار تصمیم‌گیری موجود نمی‌توان تحول بزرگی ایجاد کرد و لازم است یک نهاد فراقوه‌ای در حوزه اقتصاد ایجاد شود و این اختیار را داشته باشد که قوانین اقتصادی را تدوین کند.

تشکیل اتاق صنایع و معادن و جدا کردن آن از اتاق بازرگانی بود؛ اما وقتی این گروه تکنوکرات کنار رفتند دوباره وضع اقتصاد ما که خدمات‌محور است و تولیدمحور نیست به روال گذشته برگشت. عالی‌جناب و تکی چند از همکارانش (که البته آن‌ها هم اشتباهات نظری در توسعه داشتند)، اصلاحاتی انجام دادند که هم‌زمان با شروع توسعه کره، سنگاپور، تایوان، مالزی و نهایتاً چین بود. آن کشورها تازه شروع کرده بودند در حالی که ما در سومین برنامه عمرانی حرکت می‌کردیم.



بیشرفته مثلاً آلمان مطرح است با معنی تجارت در ایران تفاوت دارد. آنجا تجارت در خدمت تولید و مولود تولید داخل است؛ اما در اینجا تجارت مولود تولید خارج است در نتیجه واژه‌ها یکسان ترجمه شده‌اند، اما معنی و محتوای واژه‌ها فرق دارد. کشور ما در بیش از صد سال بعد از مشروطه، تولیدمحور نیست و بیشتر خدمات‌محور و تجارت‌محور است.

**■ آن‌طور که از دیدگاه شما اطلاع داریم، معتقدید در دوره مصدق و مهندس موسوی، تجارت در خدمت تولید و مولود تولید داخل بود.**

□ در اقتصاد ایران در چند دوره این اتفاق افتاده است. یکی دوران مصدق بود که واقعاً به تولید تکیه داشتند و اعتماد اجتماعی هم وجود داشت. حتی مردم طلاهایشان را می‌فروختند که هزینه دولت را تأمین کنند. یکی هم از سال‌های ۴۱ تا ۴۸ بود که خاصیت ممتازی داشت. آن هم اینکه اتاق صنایع و معادن تشکیل و از اتاق بازرگانی جدا شد. در این دوره با اینکه نفت نداشتیم، اما رشد بسیار بالایی داشتیم که متکی به نفت نبود؛ یعنی نفت عامل اصلی نبود. گروه تکنوکراتی در آن دوره فعالیت داشتند که حرکت مؤثر آن‌ها

**■ سال گذشته انتخابات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی برگزار شد. به نظر می‌رسد معادله این انتخابات با گذشته فرق می‌کرد و انتخابات از دست بازار بیرون آمد. برخی تحلیل کردند که این تغییر در روند اقتصاد کشور هم تأثیر می‌گذارد. به نظر شما آیا این گونه است؟**

□ به نظر خیر. نه تنها انتخابات اتاق خیلی سیستماتیک نیست، بلکه همان روند کلی اقتصاد در این دوره هم وجود دارد و با دوره‌های پیش از نظر شکل متفاوت است، اما از منظر محتوا تفاوتی نکرده است. گروه جدید هم همان جناح، اما با اشکال جدید هستند. بحث این است که شیرازه کلی اقتصاد و سابقه تاریخی، همین وضع موجود را می‌خواهد.

**■ سابقه تاریخی بیشتر در تجارت بود، الان در خدمات و مقاطعه کاری است.**

□ فرقی نمی‌کند. باید ببینیم منظور ما از تجارت چیست. یک نوع تجارت، بر مبنای واردات و تجارت مولود تولید خارج است و نوع دیگر، تجارت در خدمت تولید و تجارت مولود تولید داخل است. معنی تجارتی که در کشورهای

## چرا به همان روند گذشته برگشتیم؟

این برمی گردد به همان خدمات محور بودن اقتصاد و گروه های ذی نفعی که الان هم علی رغم قلت هنوز وجود دارند و دارای قدرت بسیاری هستند. وجه غالبشان این بود که بتوانند نیازمندی های خود را تأمین کنند. دو گروه داشتیم که به قول دکتر مردوخى مانع توسعه ایران بودند؛ یکی بازار و دیگری که مشاوران هاروارد ذکر کردند؛ یعنی مستغلات.

## در آن دوره هم می بینیم ایران تولید تیر آهن را شروع می کند، ولی کره جنوبی، ورق آهن که برای تولید کشتی و اتومبیل لازم است تولید می کند.

از همان زمان وجه زور و قدرت مستغلات ایران زیاد بود. من در یکی از صورت جلسه های شورای اقتصاد در زمان شاه مطالبی خواندم که نشان می داد قدرت مستغلات در آن دوره هم بسیار بوده است. برای نمونه می گفتند در کوی کن زمین خوارها مسیر رودخانه را عوض کردند و چند صد هکتار را از منابع ملی کردند و زمین خواری کردند. دولت ها هم اقدامی نکرده و این خشت کج همین طور ادامه پیدا کرد. این نشان می دهد چنین قدرتی در داخل کشور وجود داشته است. ذی نفعانی بودند که در دولت نفوذ داشتند. عالیخانی که در سال ۴۷ کنار می رود دوباره اتاق صنایع و معادن با اتاق بازرگانی تلفیق می شود و این روند ادامه پیدا کرده تا به دوران اول انقلاب می رسیم. دهه اول انقلاب دوباره تغییرات مثبتی شکل گرفت، ولی بعدها دوباره زور گروه های بانفوذ می چربد و آنهایی که صرفه شان در واردات است فضا را تغییر می دهند. در انتخابات اتاق ایران و تهران هم می بینیم اکثر خدماتی ها کار را به دست گرفته اند و تولید در آن نیست. این انتخابات آینه و انعکاسی از روابط اقتصادی ما است، مگر اینکه ساختار به طور کلی تغییر کند و تولید محور شود. برای اینکه روشن شود منظورم چیست، مصداقی را برایتان مثال بزنم. جداول داده-ستانده سال ۱۳۸۰ و همین طور ۱۳۹۰ که به همت مرکز پژوهش های مجلس تهیه شده، نشان می دهد که بین ۶۰ الی ۷۰ درصد مالیات کشور را بخش صنعت و معدن تأمین می کند، در حالی که بیشترین منابع تسهیلاتی کشور به بخش هایی که مالیات کمتری داده، تعلق گرفته است. در حالی که علی الظاهر ارزش افزوده آن بخش ها بیشتر است. در اتاق بازرگانی هم منابع مالی اتاق بیش از ۸۰ درصد توسط همین بخش ها تأمین می شود، لیکن پژواک سایر بخش ها در همه جا شنیده می شود و بخش تولید صنعتی و معدنی بی پناه رها شده است. این تغییر مشکل است، ولی راه حل آن وجود دارد؛ اما متأسفانه تصمیمات دولت هم تصمیماتی نیست که در جهت تقویت تولید باشد. این ساختار دیگر جواب نمی دهد.

## آقای روحانی که در این زمینه سخنرانی های زیادی می کند.



تولید تیر آهن

بله، سخنرانی در این زمینه ها همیشه وجود دارد، اما باید دید در عمل چه سیاست هایی به کار گرفته می شود. به نظر من سیاست ها تفاوت اساسی نکرده و در بر همان پاشنه می چرخد. بدشانسی دولت فعلی این است که مشکلات اقتصادی که روند طبیعی سیر اقتصاد کشور بود بر سر این دولت خراب شد. حتی اگر اشتباهات فاحش دوره های پیش هم نبود باز هم همین اتفاقات می افتاد؛ شاید ۱۰ سال دیرتر. این اقتصاد دیگر نمی تواند حرکت کند. شاخص های اقتصادی این موضوع را نشان می دهند. برای نمونه شاخص ها نشان می دهد کیفیت اشتغال دائماً رو به کاهش است. ساختار فعلی تصمیم گیری اقتصادی هم دیگر جواب نمی دهد. ما پتانسیل و قدرت داریم، ولی با این مسیر دیگر نمی توانیم. انیشتین می گوید وقتی با مشکلات اساسی روبرو می شویم دیگر نمی توانیم از همان سطح تفکری که مشکلات به وجود آمده، آن را حل کنیم، باید به سطحی بالاتر برویم. این اقتصاد هم پس از تحریم و برجام تغییری نمی کند؛ البته الان فرصتی طلایی است. باید ببینیم توان یا اراده استفاده از این فرصت طلایی را دارند یا خیر؛ که البته من این توان و اراده را با این ساختار نمی بینم.

## عده ای می گویند ممکن است بخش زیادی از پول های به دست آمده پس از تحریم، با وجود داعش و عربستان به سمت دفاع برود نه تولید.

من نمی توانم قضاوت کنم که این دارایی ها به چه سمتی می رود، ولی زمانی که مسائل کشورهای منطقه را بررسی می کنیم، می بینیم مشکل اصلی، اقتصاد است. ما قدرت سیاسی و امنیتی خوبی داریم، ولی از اقتصاد ضربه خواهیم خورد. یک مشکل کشورهای این منطقه، جهت دهی از خارج یا اشتباهات مهلک از داخل است. در شاخص های اقتصادی متعددی معمولاً ایران،

ترکیه، هند و برزیل را در یک طرف و چین، کره و مالزی را در طرف دیگر قرار می دهند. شاخص ها نشان می دهند محتوای توسعه این دو گروه، زمین تا آسمان با هم تفاوت دارد. کشورهای ترکیه، هند و برزیل، به غیر از کشور ما، بدهی مزمن خارجی دارند. کسری تراز بازرگانی شان به صورت مزمن افزایشی است. در حالی که گروه دوم این طور نیست. همه شاخص ها نشان می دهد برنامه توسعه این کشورها متفاوت است. گروه دوم مسیرها را شناخته اند تا مشکل حل شود، ولی گروه اول خیر؛ کشورهای منطقه ما هم در همین زمره قرار می گیرند. در شکل گیری این روند نیز ذی نفعان و تأثیر آن ها روی دولت ها خیلی مؤثر است.

## شما مطرح کردید که از سال ۴۱ تا ۴۸ ما اقتصاد خوبی در جهت صنعت داشتیم و اقتصاد ما به نفت تکیه نداشت. این در حالی است که درآمد نفت پس از سال ۴۳ رشدی فزاینده داشت. از سال ۴۱ تا ۴۸ تولید نفت فزاینده بود، به خصوص وقتی نفت فلات قاره هم اضافه شد. شرکت نفت لاوان و پان امریکن هم در این دوره فعال شدند. اینکه می گویند در این دوره صنعت ما نفت محور نبود بر چه اساسی است؟

من نگفتم نفت محور نبود. آمارها نشان می دهد رشد درآمد نفت در این دوره زیاد نبود. در سال ۴۱ درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز کشور ۷۹۹ میلیون دلار بوده است. در سال ۴۷ که عالیخانی به دلیل تمکین نکردن از شاه کنار رفت این درآمد ۱۸۵۷ میلیون دلار؛ یعنی تقریباً دو برابر شد، ولی از سال ۵۱ به بعد به ۵ میلیارد دلار و ۸ میلیارد دلار و ۲۱ میلیارد دلار رسید. پس از شوک نفتی کارهای عمرانی زیادی انجام شد، اما منابعی که در اختیار صنایع می گذاشتیم

منابع زیادی نبود. وقتی درصدها را نگاه می‌کنیم می‌بینیم که حداکثر منابعی که در قالب شاخص مانده تسهیلات در اختیار صنعت گذاشته شده، ۴۰ درصد بوده و در سال ۹۱ به حداقل خود یعنی ۲۱ درصد رسیده است، ولی در ساختمان و خدمات یعنی همان‌گونه که در پیش‌گفتیم در بخش‌هایی که مانع توسعه ایران بوده‌اند منابع بسیار زیادی تزریق شده است؛ این در حالی است که مانده تسهیلات بخش صنعت در کشورهای شرق آسیا بالای ۶۰ درصد بوده است.

■ پس از ۱۵ خرداد ۴۲ آمریکا، انگلیس، اسرائیل و شوروی دولت شاهنشاهی را حمایت می‌کردند و در این دوره اعتبار خارجی زیاد شده بود. برای نمونه در همین دوران طراحی و همه کارهای پالایشگاه تهران با ایرانی‌ها بود. دکتر رضا فلاح و عباس فلاح، گشتی در خارج زدند و گفتند وام بدهید و با این برنامه ریزی پول را به شما برمی‌گردانیم؛ یعنی پروژه‌ها هیچ ربطی به دولت نداشت و با اعتبار خارجی انجام شد. بعد هم بنزینش را فروختند و پولش را به خارج برگرداندند.

□ در این کشور تا دلان بخواهد در زمینه‌های خاص در ارتباط با مواد خام، خارجی‌ها پیش‌قدم بودند. در حال حاضر هم روی افزایش سرمایه‌گذاری خارجی پس از رفع تحریم مانور می‌دهند، اما ماهیت آن‌ها را که می‌بینی یا صرف ساخت بندر می‌شود، یا فرودگاه و پالایشگاه می‌سازند، الان هم برای همین پروژه‌ها سر و دست می‌شکنند. متأسفانه دست طلب و التماس و نیاز ما همیشه به سوی سرمایه‌گذاران خارجی بوده که شما بیاید به ما پالایشگاه بدهید یا منابع خام را استخراج کنیم. به گفتارهای برخی از مسئولان کشور در هر دوره توجه کنید، گویا هیچ راه‌حل دیگری را فرا نگرفته‌اند.

■ ولی طراحی پالایشگاه تهران کار خود ایرانی‌ها بود.

□ چه نوع طراحی؟ یعنی مثلاً تنها یک مخزنش را می‌سازیم؟ الان ببینید سرمایه‌گذاران خارجی برای سرمایه‌گذاری در پتروشیمی می‌آیند. چرا که در نهایت نوعی خام‌فروشی است. ما متانول را صادر می‌کنیم، یعنی خام‌فروشی می‌کنیم و بعد آن‌ها به سه برابر قیمت دوباره به ما می‌فروشند. بعد هم هلهله می‌کنیم و خوشحالییم که سرمایه‌گذاری خارجی انجام شده است. به همین دلیل است که من این سبک را قبول ندارم و ریشه‌های مشکلات هم باقی مانده است.

■ در تهران به فرآورده‌ها نیاز زیادی بود و ما به یک پالایشگاه نیاز داشتیم. بنزین، نفت کوره و نفت سفید در این پالایشگاه تولید می‌شد.

□ باید دید تولید این محصولات در ارتباط با چه راهبرد توسعه خواهد بود. همین نفت کوره را

ببینید. چه مقدار با سرمایه‌گذاری خارجی نفت کوره تولید کردیم که به دردمان نمی‌خورد. بنزین یورو ۲ و یورو ۳ را هم هنوز نمی‌توانیم تولید کنیم. گازوئیل را هم با گوگرد بالا تولید می‌کنند.

■ به این دلیل است که پس از انقلاب یک سونامی آمد و مهندسان بسیاری از کشور رفتند. شما گفتید از سال ۴۱ تا ۴۷ که صنایع ما رشد کرد به نفت متصل نبود. چند نمونه از این صنایع را مثال بزنید؟

□ زیاد بود. مثلاً تاپراسازی‌ها در این دوره فعال شدند. خودروسازی‌ها در این دوره شروع به فعالیت کردند که البته در سطح باقی ماند. صنعت لوازم‌خانگی و پلی‌اکریل اصفهان هم در همان دوره یا بعد پایه‌گذاری شد. این‌ها صنایع خوبی بودند، اما در نهایت درجا زدند. اشتباه مرغباری که آن زمان رخ داد و الان هم دامن کشور را گرفته این است که ما از انحصار می‌ترسیدیم. خطرات عالی‌خانگی را که می‌خوانیم، با اینکه کارهای مفید زیادی هم انجام داد، می‌گفت ما برای اینکه انحصار نداشته باشیم با حدود چهار یا پنج کارخانه تولید لاستیک هم موافقت کردیم. این در حالی بود که در آن دوره تنها ۱۷۰۰۰ خودرو تولید می‌شد. زمانی که اقتصاد مقیاس نداشته باشید، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که فناوری بیاید و رشد کند. این اشتباه مرغباری الان ۵ برابر بیشتر شده است. سال ۴۷ و در زمان آقای عالی‌خانگی ما ۱۱ خودروساز داشتیم که با هیچ عقل و منطقی جور در نمی‌آید. الان حدود ۴۹ خودروساز وجود دارد که همه موتناژکارند و تولیدکننده نیستند و به منابع ارزی کشور هم فشار وارد می‌کنند.

ما نباید از انحصار بترسیم چون بعضی از صنایع اگر اقتصاد مقیاس نداشته باشند اصلاً نوآوری نمی‌تواند در آن اتفاق بیفتد. اینکه ما بترسیم اگر انحصار بیاید ممکن است سوءاستفاده‌هایی بشود، درست نیست. مقابله با این سوءاستفاده‌ها به توانایی دولت بستگی دارد. دولت کره یا چین این انحصار را می‌دهد، جایی هم که می‌بیند خطا رخ می‌دهد، بلافاصله خودش ورود پیدا می‌کند. ما جهان‌سوم هستیم و ساختارهای فناوری ما درست نشده که به دنبال آن اجازه دهیم ورود

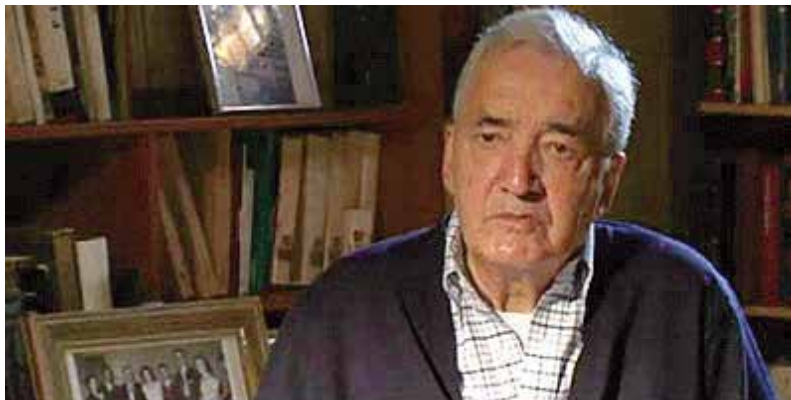
آزاد اتفاق بیفتد. اگر سیر توسعه در کشورهایی که از ما عقب مانده‌تر بودند و الان پنج‌برابر بالاتر از ما هستند را ببینیم، مشخص است که آن‌ها هم اقتصاد آزاد و کاپیتالیسم را قبول داشتند، ولی این‌طور نبود که بگذارند هرکس بیاید و هر کاری می‌خواهد بکند. ما الان در کشورمان ۶۲۵ واحد دارای پروانه بهره‌برداری در زمینه فولاد داریم. با این تعداد واحد تولیدی ما باید کل فولاد دنیا را تأمین می‌کردیم.

■ حتی در یزد که آب ندارد هم صنعت فولاد ورود کرده است.

□ همه‌جا. هر نماینده و مسئول دولتی فکر می‌کند اینجا اگر صنایع فولاد بزند گلستان می‌شود. در مورد سایر طرح‌های اقتصادی هم همین وضعیت است. مناطق آزاد و ویژه یک نمونه دیگر از این طرح‌هاست. متأسفانه ما هر کلمه و واژه اقتصادی را از حیزز انتفاع خارج کردیم و در پوشش این القاب زیبا اهداف ذی‌نفعان را پیش می‌بریم. این مناطق در حال حاضر مرکز واردات شده‌اند و ما هم آن را تشویق می‌کنیم. در امارات تنها یک یا دو منطقه آزاد وجود دارد. آن هم بیشتر برای ما گذاشته شده تا واردکنندگان محترم بتوانند از امکانات آن‌ها استفاده کنند. تحریم‌ها هم به کمک آن‌ها آمده است. «توماس پیکنی» مطرح می‌کند اگر در کشوری نرخ بازده سرمایه از نرخ بازده تولید بیشتر شود، فاتحه آن کشور خوانده شده است. پیش از او نیز مشاوران دانشگاه هاروارد که به ایران آمده بودند، این مطلب را بیان کرده بودند. در کشور ما ۷۰ تا ۸۰ سال است که نرخ بازده سرمایه از نرخ بازده تولید بیشتر است. در حالی که در کشورهای دیگر که عقب‌مانده‌تر از ما بودند و الان به مراتب پیشرفته‌تر از ما هستند، دولت طوری حرکت کرده که نرخ بازده سرمایه از نرخ بازده تولید بیشتر نشود.

■ کتابی اخیراً چاپ شده با نام کشتن میزبان (Killing the Host). در این کتاب گفته شده وقتی سرمایه مالی اصالت پیدا کند، مانند ویروسی است که اصل تولید را از بین می‌برد.

□ در اقتصاد ما پنج بخش وجود دارد که منافع آن‌ها، حتی در این دوران رکود و تحریم اصلاً



علینقی عالی‌خانگی



شرکت سایبک عربستان

دست نخورده و بلکه افزایش هم داشته است؛ اما ریسک‌ها را باید بخش‌های واقعی اقتصاد کشور تحمل کنند. این پنج بخش عبارت‌اند از: خام‌فروشان معدنی، پتروشیمی، بانک‌ها و داروسازی‌ها، زیرا تا حدی آن‌ها هم مونتاژکار یا مخلوط‌کننده مواد هستند و البته برخی از فولادها. در پتروشیمی ۱۰۰ واحد تولیدکننده وجود دارد. یک کشور در حد ایران چند واحد پتروشیمی نیاز دارد؟ عربستان فقط یک سایبک (Sabic) دارد و با همین یک شرکت هم در دنیای این بخش قدم علم کرده و رتبه دوم یا سوم دنیا را دارد.

### ■ فلسفه پتروشیمی این بود که فرآورده‌هایش زیربنای صنایع دیگر در ایران شود.

□ اما نشد. خام‌فروشی می‌کند و زیربنای صنایع خارج شده است. پس از ۱۰۰ سال که ما نفت را استخراج کردیم کره‌ای‌ها می‌آیند و برای ما پتروشیمی می‌سازند. دست‌نیز ما الان به سوی خارج است. پیشرفت‌های ما هم صوری است مثلاً در متانول ۱۰ تا لیسانس گرفتیم، همه آن‌ها تکراری است. دولت باید در این موارد به فکر باشد. دولت‌هایمان به فکر نبودند.

در کره ورق آهن را به داخل ارزان‌تر از خارج می‌دهند تا رقابت‌پذیری را در بازار بین‌المللی داشته باشند. ما در اینجا اصلاً نمی‌دانیم رقابت یعنی چه؟ فرض کنید الان ۹۸۵ کارخانه تولید فرش ماشینی داریم، آیا رقابت ایجاد شده؟ خیر، بلکه به دلیل استفاده نکردن از صرفه‌های مقیاس، تولید گران‌تر شده است. چون ما اصلاً واژه رقابت را درک نکردیم. یا الان تقریباً ۳۹ بانک داریم. اثرگذاری داشت؟ رقابت ایجاد کرد؟ خیر. بلکه اختلالات عظیم در اقتصاد کشورمان پدید آوردند.

### ■ در بانک‌ها انحصار وجود دارد و سهام بیشتر برای افراد و نهادهای خاص است.

□ این مشکل هم وجود دارد. می‌خواهم بگویم کشور اراده‌ای برای توسعه ندارد. اگر اراده و برنامه داشته باشد قطعاً می‌تواند از این وضع دربیاید. اگر به سؤال اول شما برگردیم باید بگویم نه. من تغییری نمی‌بینم، چون ساختار تغییری نکرده است.

### ■ شما بیشتر به زیربناها توجه می‌کنید، با این رویکرد روند آینده اقتصاد را چگونه می‌بینید؟

□ ما باید به روند توسعه کشورها توجه کنیم. انگلستان، فرانسه، آلمان، سوئد، آمریکا و کانادا در غرب و ژاپن، کره، مالزی، چین، سنگاپور و تایوان در شرق الان توسعه‌یافته‌اند. تمام این کشورها که ثروتمند شدند و از بیچارگی درآمدند یک وجه مشترک دارند؛ تولید و ساخت صنعتی. ما بدون رجوع به عقب و تمرکز بر ساخت صنعتی نمی‌توانیم مشکلات را حل کنیم. نخست اینکه در کشور باید دولت‌ها مستقل از ذی‌نفعان شوند و دوم اینکه باید تولیدمحوری را سرمنشأ کار

### ■ انباشت تجربه‌هایشان وجود دارد؟

□ وجود دارد، اما با اضمحلال صنایع، آن هم از بین می‌رود. با این رویه تصمیم‌گیری اقتصادی، قطعاً نمی‌توانیم مشکل را حل کنیم. این صحبت را من پس از ۶۵ سال زندگی و ۵۰ سال کار، قاطعانه می‌گویم. کیفیت اشتغالمان دارد کم می‌شود و با پول هم نمی‌توان اشتغال ایجاد کرد. ما در بی‌برنامگی دولت‌ها مانند آونگ ساعت از سویی به سوی دیگر رفتیم. در کنار این موارد، ما باید ذهنیت مریض را هم دور بریزیم؛ توسعه، ساختن ساختمان راه و سد و نیروگاه به‌تنباهی نیست. ما الان ۹۸۰۰۰ هزار واحد صنعتی داریم پروانه بهره‌برداری داریم. این تعداد واحد صنعتی بدون هرگونه منطقی ایجاد شده است. یکی از پیامدهای این تعداد واحد صنعتی این است که هم به طور مثال تقاضای برق به طرز ناکارا افزایش یافته و هم تولید، غیراقتصادی صورت می‌پذیرد. فقر آماري هم متأسفانه در این کشور هلاک‌کننده است. در سال ۹۰ گفتند ۸۶۵۷۹ واحد دارای پروانه بهره‌برداری هستند. مسئولان می‌گویند بسیاری از این‌ها راکد هستند. این دیگر بد از بدتر است که چرا متولی صنعت نمی‌داند چه تعداد واحد راکد صنعتی وجود دارد و آن را از مستندات آماری خود حذف کند. در کنار این تعداد واحد دارای پروانه بهره‌برداری طرح‌های نیمه‌تمام یعنی طرح‌هایی که از صفر درصد تا ۹۹ درصد پیشرفت داشته‌اند، ولی هنوز تمام نشده هم وجود دارد. در آمار سال ۹۰ اعلام کردند ۵۵۱۵۸ طرح نیمه‌تمام داریم. وزارت صنعت جدید در خرداد ۹۴ می‌گوید تعداد واحدهای در دست اجرا ۹۱۵۲۰ واحد است، یعنی ۴۰ هزار واحد در ۴ سال اضافه شده است. از طرفی نگاه کنید بیش از ۶۰ درصد این تعداد فقط در دو زمینه است؛ نخست سایر محصولات کانی و غیرفلزی، یعنی معدن، خاک، سیمان و دوم، مربوط به محصولات

خود کنند، نه خدمات‌محوری را. تا زور نفت در اقتصاد زیاد باشد خدمات رشد می‌کند، ولی رشد بی‌کیفیت است. مثلاً می‌گفتند ما پارسال سه درصد رشد داشتیم، ولی رشد ما مبتنی بر واردات و رشد مولود واردات از خارج بوده است. این رشد نمی‌تواند پایدار باشد. یک گوشه‌اش را بگیرند فلج می‌شود. مثلاً در تحریم توجه کردید چرا صنعت خودرو در فهرست تحریم آمد؟ چرا فولاد در فهرست تحریم نبود؟ آن‌ها نفت را بستند، در تولید خودرو مانع ایجاد کردند، چرا؟ چون بیشتر از ما به اقتصاد ما آگاهی دارند. چون می‌دانستند سهم توجه‌برانگیز این صنعت در مالیات و همچنین رشد اقتصادی چه مقدار است. چرا فولاد را نبستند؟ چرا مواد کشاورزی را نبستند؟ چرا پارچه را نبستند؟ ما را هدایت کردند به سمت چین تا از چینی‌ها استفاده کنیم؛ البته از این گفتار برداشت نشود که این صنعت کارآمد است. خیر، بسیار هم ناکارآمد شده؛ اما همین بخش هم آینده‌ای از ناکارآمدی کل اقتصاد و توسعه کشور است. ما گرفتار فقر نظری کاربردی هستیم. متأسفانه هنوز هم تغییری در سیاست‌ها به وجود نیامده است. در کشور ما ظرفیت‌های بسیاری وجود دارد. در ۶۵ سال زندگی و فعالیت خود، ایمان پیدا کردم که در سطوح میانی کارشناسان دولتی، انسان‌های دلاور گمنام شریفی داشتیم که در بی‌برنامگی دولت‌های ما، اقدامات شایسته‌ای کردند، اما با تقابل ایجاد شده و بر اثر جزیره‌ای عمل کردن سایر حوزه‌ها مانند برده‌هایی بودند که همدیگر را نفی می‌کردند و در این وضعیت موانع متعدد چهره خود را نشان می‌دهند. علاوه بر این ما نیروی انسانی عظیمی که در داخل و چه در خارج از کشور داریم. همه آن‌هایی که رفتند وطن‌فروش نیستند و همه آن‌هایی هم که ماندند عقب‌مانده نیستند. از همین رو منابع و پایه‌های مستحکمی برای پیشرفت اقتصادی کشورمان موجود هست.



تولید ورق آهن در کره جنوبی

در آن شورای عالی یا نهاد یا هیئت فراقوه‌ای، دولت باید باشد، نهادهای نظارتی باشند، اما سه جزء دیگر هم باید حضور پیدا کنند؛ ۱. اساتید اقتصادی، فنی، علوم اجتماعی و حقوق به انتخاب خودشان نه انتصاب؛ ۲. مدیران اجرایی بخش خصوصی و بزرگان کارآفرینی به انتخاب خودشان؛ و ۳. نماینده‌های کارگران و کشاورزان به انتخاب خودشان. تعداد آن‌ها هم باید برابر باشد. هر تصمیمی که این نهاد اتخاذ کند، قانون اقتصادی خواهد بود.

### ■ ممکن است این تصور به وجود آید که این طرح نفی کننده دولت‌های موجود است.

□ دولت نمی‌تواند کاری بکند، می‌تواند کار سیاسی بکند، ولی نمی‌تواند با این ساختار، کار اقتصادی کند. براندازی هم به نظر اصلاً موضوعیت ندارد، زیرا دولت و سازمان‌های نظارتی نظام، نیمی از اعضای این نهاد خواهند بود. اگر آن نهاد تصمیم بگیرد؛ تصمیماتش قانون می‌شود. این نهاد باید تصمیم بگیرد که چه کنیم، در چه صنایعی وارد شویم و مشکلات را چطور حل کنیم.

### ■ این همان مدل ژنرال پارک در کره جنوبی است؟

□ ژنرال پارک هم آن را از ایران گرفت. این را واردی‌ها به ایران گفتند. واردی‌ها به کره و آسیای جنوب شرقی هم گفتند و آن‌ها یاد گرفتند و عمل کردند. در چین هم سازمانی است که ابروزارتخانه است. نامش NDRC است. در کره EPB، در سنگاپور EDB، در تایوان CEPD و در مالزی MIDA بود. مثلاً در چین ۲۰۰۰ کارخانه سیمان فعالیت می‌کرد، اما این سازمان در سال ۲۰۰۵ تصمیم می‌گیرد فقط ۱۲ واحد را حمایت کند. آن هم از واحدهایی که روی آن‌ها شناخت

مناطق آزاد کمک کنیم، اجازه دهیم ۳۶۰ میلیون دلار ارز برای واردات داده شود؛ یعنی برای توسعه صادرات، ارز برای واردات داده شود! در مورد بندرها هم همین است. ما بندرهایی مانند شهید رجایی و چابهار داریم. به جای اینکه بندرهای جدید بسازیم، همین بندرها را توسعه دهیم. اکنون هم واژه جدیدی به بازی گرفته شده: «بندرخشک».

### ■ راه حل شما برای این مشکلات چیست؟

□ ساختار تصمیم‌گیری باید به طور کل زیر و رو شود. با این قوانین متعدد و مجالس و دولت‌های مرتباً در حال تغییر، نمی‌توان مشکلات را حل کرد. بخش تولید در رکود است و پارادوکس عجیبی که وجود دارد این است که منابع مالی و اعتباری سهم بخش تولید کم شده و سهم غیر مولدها زیاد شده است. حیرت‌آور است که ما در تحریم بودیم، اما رشد منابع اعتباری مالی بخش کشاورزی و صنعت کاهش پیدا کرد! آمارهای منتشرشده خودشان این واقعیت را نشان می‌دهد؛ یعنی حاکمیت اصلاً به فکر این قضیه نبوده است. وقتی آمارها را کنار هم قرار می‌دهیم می‌بینیم از سال ۸۵ تا ۹۰ اشتغال ثابت مانده، اما کیفیت اشتغال پایین آمده است. اشتغال از حوزه‌های صنعت و ساختمان، خرده‌فروشی و عمده‌فروشی کاهش پیدا کرده، اما شغل‌های انگلی ۷۶۰ هزار تا زیاد شده است. این‌ها فاجعه است.

راه‌حل برون‌رفت از این وضعیت هم همان راهی است که ۶۰ سال پیش به ما گفته شد، اما اجرا نکردیم. کره و چین این راه را رفتند و پیشرفت کردند. باید یک نهاد فراقوه‌ای همانند شورای عالی امنیت ملی، اما در زمینه تصمیم‌گیری‌های اقتصاد تشکیل شود. چون شورای عالی امنیت ملی یک ساختار حاکمیتی است، در نتیجه فقط دولت و نظام باید آنجا باشند؛ اما اقتصاد را بدون ذی‌نفعان و بخش خصوصی نمی‌توان به حرکت درآورد.

غذایی و آشامیدنی. دو محوری که در سطح جهانی از لحاظ رتبه‌بندی تکنولوژی بسیار پایین است. این تعداد واحد، تقاضای برق و آب ایجاد می‌کنند، اما بهره‌ور نیستند و از طرف دیگر منابع تسهیلاتی هم استفاده می‌کنند. ما برای توجیه این رویه، از صورت زیبا هم استفاده می‌کنیم و روی دو موضوع تأکید می‌کنیم؛ یکی رقابت، دوم اینکه کوچک زیباست. این کوچک زیباست در ارتباط با «بزرگی» است که وجود دارد یعنی صنایعی که قابلیت خوشه‌بندی داشته باشد. ما مفاهیم را با هم قاطی کردیم.

### ■ شما الان تولید محوری را مطرح می‌کنید، ولی ما با هر دولتی صحبت می‌کنیم همین آمار را می‌گذارد جلو و می‌گوید این تعداد واحد صنعتی نشان می‌دهد ما تولید محوریم.

□ بله، اما مهم این است که تعداد واحد تولیدی نشانه تولید محوری بودن نیست و شاخص‌های کمی همیشه مورد تبلیغ است، اما کیفیت را بها نمی‌دهیم. بازی با واژه‌هاست. مدام می‌گوییم کشورهای اطراف پتانسیل دارند و ما باید روی صادرات برنامه‌ریزی کنیم. توجه نمی‌کنیم که آن‌ها همان چیزهایی را نیاز دارند که ما نیاز داریم. ما آب مجانی مان را می‌دهیم و کالای کشاورزی صادر می‌کنیم. سیمان می‌دهیم و خاکمان می‌رود. سنگ آهن می‌دهیم و محیط زیستمان خراب می‌شود. چیزی نمی‌توانیم به آن‌ها بدهیم، چیزی نداریم. از آنجایی که آرمان‌گرا و ایده‌آل‌گرا هستیم، فکر می‌کنیم که در همه‌جا باید جلو برویم. کشورهای توسعه‌یافته فهمیدند که باید از محدود شروع کنند و کم کم پیش روند. چهار یا پنج یا هفت رشته صنعتی را انتخاب کردند. مثلاً مالزی الکترونیک را به عنوان یکی از زمینه‌ها انتخاب می‌کند. ارزش صادرات مدارهای الکترونیک مالزی بالغ بر ۲۳ میلیارد دلار است. سنگاپور ۳۸ میلیارد دلار صادرات در این حوزه دارد. ما هم به این کالاها نیاز داریم، ولی خودمان هیچ کاری نکردیم، چون دولت‌های ما نمی‌دانستند چه می‌خواهند؛ یا نمی‌خواستند یا نمی‌توانستند. ما از یک محصول صنعتی ۱۶۸ واحد تولیدی در کشور داریم که دارای پروانه بهره‌برداری هستند. تعداد کارخانه‌های تولیدکننده این کالا از ترکیه و عربستان تا ژاپن و بنگلادش و چین و کره به عبارتی در کل آسیا و خاورمیانه در مجموع ۸۲ واحد است؛ یعنی بیش از ۲ برابر آن‌ها واحد تولیدی در کشور برای همین یک کالا داریم. واحدهای تولیدی خودرو، سیمان، متانول و فرآورده‌های نفتی ما همین مشکل را دارند.

### ■ مهندس سبحانی می‌گفت در ایران با صنعت برخورد تجاری شده است.

□ بله. این به سیاست‌گذاری و اراده دولت‌هایمان برمی‌گردد. مثلاً در دوران آقای خاتمی مصوبه هیئت‌وزیران در مورد مناطق آزاد وجود دارد که می‌گوید ما برای اینکه به اشتغال و توسعه صادرات

پیدا کرده بود. باقی یا ادغام می‌شوند یا از بین می‌روند. با این تصمیم، در عرض دو سال میزان تولید سیمان چین ۴۰۰ میلیون تن اضافه شد و الان به نظرم به حدود ۱۴۰۰ میلیون تن رسیده است.

ما عاشق واژه‌هایی مانند برنامه جامع و عدالت اجتماعی هستیم که به هیچ‌کدام هم نرسیدیم؛ اما آن‌ها زود فهمیدند. ما با همان ادبیات گذشته، در حال تنظیم برنامه ششم هستیم. همان ادبیات است که تکرار می‌شود و جملات زیبا در آن است اما اجرایی نیست. مرتباً واژه‌های زیبایی را درج می‌کنیم که هنوز آن‌ها را تعریف نکرده‌ایم یا در مورد آن‌ها تصمیم‌گیری نشده است. مثلاً درباره اقتصاد دانش‌بنیان بحث می‌کنیم، ولی زمینه و الزامات آن را تحلیل و تبیین نکرده‌ایم. دولت‌های دیگر پیش از هر اقدامی عمیقاً بررسی‌های خود را انجام می‌دهند. مثلاً اگر راهبردی با اهداف مجدد مبتنی بر اصل «انتخاب و تمرکز» را تصمیم‌گیری کردند، به صورت بسیار منسجم همه اجزا را متوازن فراهم می‌کنند؛ مثلاً تأمین مالی حصول به اهداف را.

یکی از مشکلات اساسی ما نبود درک روابط و انسجام اقدامات مرتبط به هم در ارتباط با توسعه است. به‌طور مثال ما تفاوت بانک تجاری و توسعه‌ای را نفهمیدیم. اگر به یاد داشته باشیم کل مانده تسهیلات بانک صنعت و معدن حدود ۲۲۰۰ میلیارد تومان است؛ یعنی یک ارزن در کل تسهیلات کشور. در این حالت وقتی مشکلی همچون کمبود ارز پیش می‌آید کارخانه‌ها می‌خوانند، چون ما توازن‌ی برقرار نکردیم. سنگ آهن را مفت می‌فرستیم و شمش وارد می‌کنیم. هر تن سنگ آهن را مثلاً حدود ۴۰ دلار صادر می‌کنیم و ۶۰۰ یا ۷۰۰ دلار در هر تن پول واردات شمش می‌دهیم.

فولاد مبارکه ورق آهن را به بنگاه‌های داخلی گران‌تر می‌دهد و چون هدف سودآوری خود را بر صادرات ورق می‌داند، بنگاه‌های داخلی مجبور می‌شوند از کره و آلمان و عربستان ورق بخرند. کار به جایی رسیده که عربستان ورق تولید می‌کند، اما ما تا دلتان بخواهد مقاطع تولید می‌کنیم. این‌ها هم اگر شمش وارداتی نباشد که در کارخانه به‌عنوان مواد اولیه به کار گرفته شود، نمی‌توانند فعالیت کنند.

### ■ آیا وجود برنامه جامع می‌تواند کمک‌کننده باشد؟

□ من دیگر به برنامه جامع اعتقادی ندارم. در چین سه سال برنامه نوشتند و پنج رشته هم بیشتر انتخاب نکردند، اما رشته‌هایی که انتخاب کردند - ماشین‌سازی، خودروسازی، الکترونیک، پتروشیمی و ساختمان - با فکر و برنامه‌ریزی بود. کره‌ای‌ها چهار رشته انتخاب کردند و ساختمان را انتخاب نکردند. مالزی هفت رشته انتخاب کرده، اما ماشین‌سازی را انتخاب نکرد و به‌جای آن در الکترونیک کار کرد. مالزی روی خودرو و فولاد (فولاد برای تغذیه صنایع) برنامه تولید ریخت.

در کشاورزی هم دو بخش را انتخاب کرد؛ پالم و کائوچو. در حال حاضر صادرات کشاورزی کره جنوبی از ما بیشتر است. چون فناوری پیشرفته دارد و تحقیقات را یاد گرفته‌اند.

■ بیش از ۱۰۰ سال است که صنعت نفت داریم. دولت و اقتصادمان نفتی است. اقتصادمان را به نفت و نفت را هم به جنگ گره زدیم. می‌گوییم نفت باید از خلیج فارس بگذرد. در خلیج فارس هم برتری هوایی و دریایی نداریم. اگر همه پول را هم صرف برتری هوایی و دریایی کنیم به پای انگلستان و آمریکا و... نمی‌رسیم؛ یعنی پول نفت صرف حفاظت نفت می‌شود. یک جنگ هشت ساله بر ما تحمیل شد ما ۱۰۰۰ میلیارد دلار خسارت مالی دیدیم. تا سال ۶۷ اصلاً این مقدار درآمد نداشتیم. با توجه به این هزینه‌هایی که نفت به ما تحمیل کرده آیا می‌توان پایه اقتصاد را بر نفت گذاشت؟

□ موضوع، نحوه استفاده از نفت است، اگر کشورهای دیگر می‌بایست با مشقت پس‌انداز برای سرمایه‌گذاری فراهم می‌کردند، ما در صورت تدبیر عقلانی می‌توانستیم این منبع ارزشمند خدادادی را برای منابع سرمایه‌گذاری به کار بگیریم، اما درآمد نفت را برای هزینه‌های جاری استفاده کردیم و از آن به‌عنوان منبعی برای خرید محبوبیت استفاده شد.

ما باید تکلیف را روشن کنیم. همان نهاد فرا دولتی باید این تصمیم را بگیرد. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی هم باید دبیرخانه این نهاد شود چون مجمعی از نخبگان است که باید تصمیم بگیرند و لذا تأمین اطلاعات حیاتی است و روی این اطلاعات باید تصمیم‌گیری شود. اگر حاکمیت کشور روی این قضیه تصمیم بگیرد منابع هم باید تأمین شود. ما بی‌دلیل طرح‌های عمرانی می‌زنیم،

ما بدون رجوع به عقب و تمرکز بر ساخت صنعتی نمی‌توانیم مشکلات را حل کنیم. نخست اینکه در کشور باید دولت‌ها مستقل از ذی‌نفعان شوند و دوم اینکه باید تولیدمحوری را سرمنشأ کار خود کنند، نه خدمات‌محوری را. تا زور نفت در اقتصاد زیاد باشد خدمات رشد می‌کند، ولی رشد بی‌کیفیت است

اما برنامه‌های عمرانی چین در ارتباط با انتخاب‌های صنعتی آن‌ها است. حتی آموزش. همه آن کشورها از کره یاد گرفتند. در کره به اقتصاد دانش‌بنیان، واقعاً دست پیدا کردند. ما می‌خواهیم یک‌باره از وضع کنونی به اقتصاد دانش‌بنیان برسیم. باید قبول کنیم نخبه‌ها در آن مجمع بیایند. حتی اگر شده تصمیم غلط هم بگیرند، ولی لااقل نخبه‌ها بیایند. مقام رهبری هم بسیار به تولید و از نوع فناوریانه تکیه می‌کنند؛ اما با این ساختار شبه‌دموکراسی نمی‌توان کاری از پیش برد.

### ■ شما شخصاً اگر بخواهید در مورد توسعه فکر کنید چه صناعی را هدف قرار می‌دهید؟

□ باید پنج یا شش صنعت را انتخاب کنیم و آن‌ها را هم با نظر نخبگان انتخاب کنیم. این صنایع باید نیازهای آینده ما را تأمین کنند، محرک صنایع دیگر باشند و در حوزه‌هایی باشند که وابستگی زیادی به خارج داریم. خودرو یکی از این صنایع است. با توجه به مصرف بی‌رویه‌ای که شکل گرفته حدود ۱۴ درصد منابع ارزی برای واردات در حوزه خودرو مصرف می‌شود. طراحی پلتفرم و ساخت خودرو باید در داخل کشور باشد. یک گروه باید برای اقتصاد تصمیم بگیرد، نه ده‌ها سازمان که هیچ‌کسی هم مسئولیت ندارد.

■ اخیراً در پاریس کنفرانس محیط زیست بود و ۱۹۵ کشور سند نهایی آن را امضا کردند. نتیجه این کنفرانس این است که در آینده کشورها به سمت انرژی‌های بادی و خورشیدی می‌روند و ما هم در نفت تعیین‌کننده نیستیم. عربستان هم از اینکه هژمونی نفتش شکننده شده ناراحت است و چون گاز ندارد که در مخازن نفتش تزریق کند گفته می‌شود در سال ۲۰۱۸ تولیدش سقوط می‌کند و به سمت انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر می‌رود.

□ به نظرم آن‌ها کار خوبی کردند. سایبک را راه انداخته‌اند که بزرگ‌ترین شرکت پتروشیمی است. از چندین سال پیش تغییر را شروع و روی انرژی خورشیدی سرمایه‌گذاری کردند. در خودرو، فولاد و ورق سرمایه‌گذاری کردند؛ البته ورق رنگی با کیفیت خوب تولید می‌کنند. ما از عربستان ورق وارد می‌کنیم. این برای ما عبرت است. یا مثلاً قزاقستان به کشورها پیشنهاد داده در کشور آن‌ها سرمایه‌گذاری کنند و ۳۰ درصد سرمایه را هم خودش تأمین بلاعوض می‌کند؛ اما ما دائماً به دنبال راه، سد و نیروگاه هستیم. مگر چقدر انرژی لازم داریم؟ نمونه‌اش هم ۶۲۵ کارخانه فولاد دارای پروانه بهره‌برداری است که طبق آمار ارائه‌شده وزارت صنعت در سال ۱۳۹۳، در کشور یک تقاضای کاذب برای هر نیازی از قبیل برق، آب، تسهیلات ارز و امثالهم ایجاد کرده‌اند و این بدون بازده کافی و صرفه‌مقیاس است. ■